

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۴۹ - ۱۸۳

### واژه‌بست در گویش کُندازینی

سلیمان حیدری<sup>۱</sup>، نظام عمادی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

۲. پژوهشگر آزاد، مدرس سابق دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده فنی و حرفه‌ای

#### چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی و توصیف واژه‌بست‌های گویش کُندازینی است. کُندازی روستایی است کوهستانی و کهن که در دهستان اَبَرَج و در بخش دُرودزَن شهرستان مرودشت قرار دارد. گویش کُندازینی یکی از گویش‌های بازمانده از زبان فارسی میانه و گویشی از شاخه غربی-جنوبی زبان‌های ایرانی نو است که با گویش‌های دشتکی، امامزاده اسماعیلی، کوه‌مره‌ای / کُهمَره‌ای، اردکانی، خلاءری، قلاتی، لارستانی، دوانی و دشتی و پاره‌ای دیگر از گویش‌هایی شباهت و همانندی‌هایی دارد که دارای ساخت کنایی هستند. در این پژوهش، نخست هفت آزمون از آزمون‌های زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) که شقاقی (۱۳۷۴) برای بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در زبان فارسی اقتباس کرده است، در گویش کُندازینی به کار گرفته می‌شوند. سپس انواع واژه‌بست در گویش کُندازینی مشخص و هر واژه‌بست در چند جمله نمونه، آورده می‌شود. همچنین، هر جمله، جداگانه آوانگاری و تحلیل و در صورت نیاز، توضیحاتی برای تغییرات و دگرگونی آوایی و دیگر فرایندهای واژ-واجی در سطح واژه و جمله ارائه می‌شود. شیوه پژوهش در بررسی و مطالعه این گویش، میدانی و کتابخانه‌ای است. بر اساس مطالعه صورت‌گرفته، واژه‌بست‌های این گویش عبارتند از ضمیرهای پیوسته شخصی، فعل‌های پیوسته، نشانه مفعولی صریح، نشانه معرفه، نشانه نکره، نشانه اضافه، نشانه متمم‌ساز، نشانه هم‌پایگی، صورت مخفف قید افزایشی هم، نشانه تأکید. ضمیرهای پیوسته واژه‌بست‌های فاعلی نقش مطابقه را در جمله ایفا می‌کنند. داده‌های زبانی این گویش می‌تواند پرتویی بر دانش ایران‌شناسی، شناخت و مطالعه زبان‌های ایرانی و پژوهش‌های رده‌شناسی باشد. در این پژوهش، ۱۶ نفر گویشور مرد و ۴ گویشور زن در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۸۰ ساله از افراد بی‌سواد، کم‌سواد و باسواد در گردآوری پیکره زبانی همکاری داشته‌اند.

#### واژه‌های کلیدی:

زبان‌های ایرانی  
گویش  
واژه‌بست  
واژه  
وند  
کنایی  
کُندازی  
کُندازینی

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۵ شهریورماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۸ مهرماه ۱۴۰۲

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: [nezamemadi@gmail.com](mailto:nezamemadi@gmail.com)

## مقدمه

واژه‌بست یکی از بحث‌انگیزترین موضوع‌های زبان‌شناختی بوده است. علت اصلی این چالش و اختلاف نظرها، به ماهیت واژه‌بست برمی‌گردد. از یک سو، سیر تاریخی و تکوینی واژه‌بست‌ها و وندهاست که هر یک مراحل را طی کرده و در دوره‌های گوناگون در سبک‌ها و متون گذشته، ساختارهای متفاوتی در جمله پیدا می‌کرده‌اند و از سوی دیگر، امروزه واژه‌بست حالتی بینابینی و دوگانه دارد. در مواردی به واژه‌های وابسته و وندها شباهت پیدا می‌کنند و گاهی رفتار و سیری متمایز را دارند و ویژگی‌های واژه کامل را دارند. علی‌رغم طبقه‌بندی‌هایی که توسط زبان‌شناسان انجام شده‌اند، هنوز مواردی در زبان‌های گوناگون می‌توان یافت که حالت بینابینی و نه صددرصد وند تصریفی هستند و نه کاملاً ویژگی‌های واژه‌بست را دارند. «این عدم تمایز قطعی باعث شده است که بعضی از زبان‌شناسان مثل بریرز<sup>۱</sup> و هریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) تمایز دوشقی تکواژهای مفید دستوری به واژه‌بست و وند تصریفی را زیر سوال ببرند.» (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۷۹).

واژه «clitic» به معنای واژه‌بست از فعل یونانی باستان *klinein* به معنای «تکیه‌دادن و خم‌شدن» گرفته شده است. واژه‌بست‌ها هم‌چون کاربرد باستانی آن از نظر آوایی، تکیه‌بر نیستند. بنابراین آن‌ها به واژه دیگری به نام میزبان تکیه ندارند تا در یک سازه عروزی ادغام شوند (گرلاخ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۲). طبق گفته اسپنسر<sup>۴</sup> و لوئیس<sup>۵</sup> (۲۰۱۲: ۱) واژه‌بست‌ها واژه‌های کوچکی همانند یک واژه کامل هستند که نمی‌توانند مستقل و غیروابسته باشند بلکه باید به یک واژه همسایه که «میزبان» می‌نامیم، تکیه کند و بچسبد. همان‌طور که ریمسدیک<sup>۶</sup> (۱۹۹۹: ۱) اذعان می‌کند، بحث قابل توجهی در میان زبان‌شناسان درباره واژه‌بست‌ها در کنار انواع اصلی سازه‌های دستوری هم‌چون هسته واژگانی، عبارت‌ها، ستاک‌ها، وندهای اشتقاقی و غیره وجود دارد. به استناد اندرسون<sup>۷</sup> (۱۹۹۸: ۴۲)، واژه‌بست‌ها عناصری هستند که ویژگی‌های همسانی از یک سو به واژه‌ها و از سوی دیگر به وندها دارند. به همین دلیل در جمله نقش و رفتاری میان واژه و وند دارند. به سخن دیگر، در ساخت واژه، واژه‌بست به واحدی اطلاق می‌شود که حد واسط تکواژهای آزاد و وابسته است و واژه‌بست‌ها هم برخی از ویژگی‌های واژه‌ای و هم برخی از ویژگی‌های تکواژهای وابسته را دارند. واژه‌بست هم به صرف و هم به حوزه نحو مربوط می‌شود. واژه‌بست‌ها به تنهایی به کار نمی‌روند بلکه باید آن‌ها را از نظر واجی به یک میزبان اضافه کرد.

<sup>1</sup> K. Borjars

<sup>2</sup> P. Harries

<sup>3</sup> B. Gerlach

<sup>4</sup> A. Spencer

<sup>5</sup> R. A. Luís

<sup>6</sup> V. H. Riemsdijk

<sup>7</sup> S. R. Anderson

واژه‌بست‌ها یا به جلو میزبان می‌چسبند که آن‌ها را پیش‌بست گویند و یا به انتهای میزبان می‌چسبند که پی‌بست می‌نامند (پیونتک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۳). همان‌گونه که کاتامبا<sup>۲</sup> و استونهام<sup>۳</sup> (۲۰۰۶: ۳۴۵) بیان می‌کنند: میزبان‌های ساختاری و واجی یک واژه‌بست مشخص و متمایز هستند. کولاکویچ<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۲: ۱۱) با تأیید دیدگاه اسپنسر و لوئیس، تصریح می‌کنند که برای مطالعه و بررسی واژه‌بست‌ها سه رویکرد آوایی، ساخت-واژی و نحوی وجود دارند. دربارهٔ تعداد واژه‌بست در زبان فارسی و نیز دیگر زبان‌های ایرانی، تاکنون اجماع و اتفاق نظری نبوده است و همچنان بحث و چالش دربارهٔ تشخیص و تمایز واژه‌بست از واژ و تکواژه‌های وابسته و شمار آن‌ها وجود دارد. برای تعیین قطعی واژه‌بست‌ها و وندها، نیاز به مطالعه و بررسی بیش‌تر و فراگیر است. به استناد شقاقی (۱۳۹۲: ۱۴) تکواژه‌های وابسته‌ای در زبان فارسی یافت می‌شوند که رفتاری متفاوت از دیگر عناصر همچون واژه یا تکواژ (آزاد دستوری و واژگانی) و وند (یا تکواژ وابسته دستوری) دارند. با توجه به اینکه این عناصر همچون یک واژه، نقشی نحوی را در ساخت جمله برعهده دارند و قواعد نحوی ناظر بر توزیع آن‌ها هستند، شاید بتوان آن‌ها را واژه نامید. این تکواژه‌ها به تنهایی در ساخت به کار نمی‌روند و هویت مستقلی ندارند و به اجبار به پایه‌ای دیگر در ساخت متصل می‌شوند و شاید بتوان آن‌ها را واژهٔ وابسته نامید. از طرف دیگر، اکثراً فاقد تکیه هستند و الزام آن‌ها به اتصال به پایه‌ای واژگانی آن‌ها را شبیه به وند می‌سازد. بنا بر همین شباهت دوسویه به تکواژه‌های وابسته و واژه‌ها آن‌ها را واژه‌بست نامیده‌اند. واژه‌بست اغلب صورت ضعیف عنصری دستوری مثل ضمیر، تعیین‌کننده، فعل کمکی، ادات نفی و پرسش است که به خودی خود در ساخت به کار نمی‌رود و همیشه به پایه‌ای از مقوله‌های مختلف از قبیل اسم، صفت، قید، فعل، حرف اضافه، ضمیر و جز آن متصل می‌شود. برخی از زبان‌شناسان و دستورنویسان سعی کرده‌اند الگو و چهارچوبی را مطرح کنند که جامع و مانع باشد و همهٔ پارامترهای زبان‌های گوناگون را لحاظ کند.

از این رو، نیاز به کوشش بیش‌تر و مطالعه و شناخت همهٔ زبان‌ها و گویش‌ها دوچندان می‌شود. کُندازی یکی از روستاهای بخش درودزن در شهرستان مرودشت است که در ۵۲ درجه و ۶۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۲۳۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. این روستای کوهستانی تا شهر مرودشت به عنوان مرکز شهرستان ۶۳ کیلومتر و تا شهر رامجرد، مرکز بخش درودزن، ۲۸ کیلومتر فاصله دارد. نزدیک‌ترین روستا به کُندازی، روستای مایین است که کاروانسرای از دورهٔ صفویه دارد و در ۸ کیلومتری کُندازی بر سر یکی از راه‌های ارتباطی به اقلید، یزد و اصفهان قرار گرفته است. به استناد مفخم پایان و یزدی (۱۳۳۹)، پاپلی یزدی و احمدیان شالچی (۱۳۶۷) در ایران تنها یک آبادی با نام کُندازی وجود دارد. این نام می‌تواند بر ساخته‌ای از واژهٔ «کهن دژ» یا «کُندآدین» باشد. در پهنهٔ جغرافیایی ایران فرهنگی، سه جای‌نام شبیه

<sup>1</sup> J. Piontek

<sup>2</sup> F. Katamba

<sup>3</sup> J. Stonham

<sup>4</sup> Z. Kolakovic

به نام کندازی وجود دارند. یکی، کندز که از روستاهای دهستان کرکس در بخش مرکزی شهرستان نطنز و اینک محله‌ای بیلاقی در شمال شهر نطنز است که نام قدیمی آن را کهن‌دز و کهن‌دژ ذکر کرده‌اند. همچنین کندز، روستایی در دهستان مینان از شهرستان سرباز در استان سیستان و بلوچستان است که در سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، جمعیت آن ۸۵۰ نفر بود. جای‌نام دیگر، شهر کندز یا کندوز، مرکز ولایت کندز در شمال شرق افغانستان در منطقه باستانی تخارستان است که در کتاب‌های دوره تیموری به آن کهن‌دژ نیز می‌گفتند.<sup>۱</sup>

اما مردم روستای کندازی، این روستا را کندازین می‌نامند و صفت نسبی آن را «کندازینی» می‌گویند. هرچند در کتاب فارسنامه ناصری که در سال‌های ۱۲۶۱-۱۲۷۱ خورشیدی توسط حسن حسینی فسایی نگاشته شده است، نام روستا به صورت کندازی ذکر شده است و نیز مرگستیرنه<sup>۲</sup> (۱۹۶۰)، لکوک<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) و فره‌وشی (۱۳۵۳) در نوشته‌های خود گویش «کندازی» نوشته‌اند. سلامی (۱۳۹۹) ترجیح داده است از عنوان «کندازینی» استفاده کند. به هر روی، این نام‌واژه می‌تواند از ترکیب «گند+ آذین» ساخته شده باشد. گند یا گند در زبان پهلوی به معنای سپاه، لشکر و یا واحد بزرگ سپاه است (کریستن‌سن<sup>۴</sup>، ۱۳۶۷: ۳۰۰). همچنین به معنای ده، روستا و آبادی است. همان‌گونه که در زبان کردی واژه «گونده» که صورت دیگری از واژه «گند» است، کاربرد دارد و نام‌واژه جندی‌شاپور/ گندی‌شاپور ناظر به همین مفهوم است. آذین به معنای زیور، زینت؛ نشیمن‌گاه‌های آراسته و مزین در جشن‌ها؛ خذرفه است. در کتاب «مذهب‌الاسماء»، خذرفه یعنی انگور و خرما و انار که از خانه بیابوزند. در ویس و رامین به معنای غرفه و نشیمن‌گاه‌های آراسته و مزین در جشن‌ها و همچنین نامی از نام‌های ایرانی است.<sup>۵</sup> گویش کندازی یکی از گویش‌های بازمانده از زبان پهلوی ساسانی و گویشی از شاخه غربی جنوبی زبان‌های ایرانی نو است که با گویش‌های دشتکی، امامزاده اسماعیلی، کهمره‌ای، اردکانی، خلاءری، قلاتی، لارستانی، دوانی و دشتی و پاره‌ای دیگر از گویش‌هایی شباهت و همانندی‌هایی دارد که دارای ساخت گنایی هستند.

## ۲. پیشینه پژوهش

برخی از زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی مطالعاتی درباره ماهیت واژه‌بست و نیز راهکارهایی برای تشخیص و تمایز آن‌ها از واژه و تکواژهای وابسته‌ای مانند وندهای صرفی و اشتقاقی انجام داده‌اند. برای طبقه‌بندی واژه‌بست‌ها و تمایز آن‌ها الگوهایی به همراه پاره‌ای آزمون و پارامتر مطرح کرده‌اند؛ برای نمونه به الگوهای طبقه‌بندی زوئیکی<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> برگرفته از تارنمای [www.aai.uni-hamburg.de](http://www.aai.uni-hamburg.de), 2018

<sup>۲</sup> G. Morgenstierne

<sup>۳</sup> J. P. Lecocq

<sup>۴</sup> A. Christensen

<sup>۵</sup> برگرفته از تارنمای <http://dehkhoda.ut.ac.ir>, 2023

<sup>۶</sup> A. Zwicky

(۱۹۸۵)، زوئیکی و پولوم<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، کلاوانس<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) و نوبلینگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) می‌توان اشاره کرد که در آن‌ها سعی شده معیارهای تشخیص واژه‌بست‌ها از وندها و دیگر واژه‌ها ترسیم شوند. کلباسی (۱۳۷۱: ۳۷) واژه‌بست‌های فارسی را شامل ۱. صورت‌های تصریفی فعل‌بودن در زمان حال (افعال پی‌بستی) ۲. ضمائر شخصی پیوسته مفعولی یا ملکی ۳. یای نکره ۴. کسره اضافه ۵. نشانه معرفه ۶. الف ندا می‌داند. شقاقی (۱۳۷۴: ۱۵۱-۱۵۴) واژه‌بست‌های فارسی را به انواع ساده و ویژه تقسیم می‌کند، به کمک هفت آزمون آوایی، صرفی و نحوی از مجموع آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳)، جمعاً ۹ واژه‌بست شامل ۱. کسره اضافه ۲. /i/ ای /i/ یای نکره، /e/ ای /i/ یای تخصیص نکره، ۳. /e/ نشانه معرفه ۴. /am/ قیدی (صورت مختصر هم)، ۵. /o/ نشانه هم‌پایگی (که در گونه رسمی به شکل /va/ کاربرد دارد. ۶. /o/ نشانه مفعول معرفه (صورت مختصر را)، ۷. /hâ/ تأکیدی ۸. ضمائر پی‌بستی ۹. افعال پی‌بستی (=ام، =ای، =ست، =س، =س، =ه، =یم، =اید، =اند) را برشمرد.

مشکوه‌الدینی (۱۳۸۴: ۱۸) واژه‌بست‌های فارسی را ۱. «-» اضافه اسمی و صفتی ۲. رابط‌های فعل‌بودن در زمان حال ۳. ضمائر پیوسته ۴. [o] عطف (هم‌پایگی) ۵. [â] ندا برمی‌شمرد. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۴: ۱۸) و شقاقی (۱۳۷۴) واژه‌بست را دسته خاصی از تکواژهای دستوری می‌دانند که این سه ویژگی را داشته باشند: ۱. به دنبال واژه می‌چسبند، اما بخشی از ساخت واژه اشتقاقی و یا صرفی محسوب نمی‌شوند. ۲. از لحاظ معنی به رابطه ساختی یا دستوری خاص از جمله، اضافه اسمی (ملکی)، اضافه صفتی، رابط، ضمیر متصل با رابطه دستوری اضافه اسمی، متمم حرف اضافه یا مفعول صریح، عطف و رابطه دستوری ندا اشاره می‌کنند. ۳. از لحاظ آوایی، تکیه اصلی واژه بر آن‌ها ظاهر نمی‌شود.

واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۴) پی‌بست‌های ضمیری گویش دلواری را بررسی کردند و آن‌ها را مانند معادل‌های غیرواژه‌بستی خود دارای شش صیغگان (۳ شخص و ۲ شمار) می‌دانند و برای آسانی توصیف و تحلیل پی‌بست‌های ضمیری به چهار گروه ۱. پی‌بست‌های فاعلی (کُنایی)، ۲. پی‌بست‌های مفعولی، ۳. پی‌بست‌های مفعولی غیرصریح و ۴. پی‌بست‌های ملکی تقسیم کرده‌اند. در فعل‌های گذشته متعدی، باید از پی‌بست‌های فاعلی به عنوان عنصر مطابقت شخص و عدد در آن استفاده شود. عبدالملکی (۱۳۸۵) نشانه معرفه /e/ را در زبان فارسی پی‌بست به شمار می‌آورد و به کمک آزمون‌هایی نشان می‌دهد که با وجود تکیه‌بربودن از نظر رفتار نحوی، یک پی‌بست به شمار می‌آید. راسخ‌مهند (۱۳۸۸) بیان می‌کند که به طور کلی واژه‌بست‌های ضمیری در زبان‌های دنیا در ۲ جایگاه قرار می‌گیرند: الف) جایگاه واکرناگل، یعنی پس از اولین کلمه، سازه یا واژه واجی ب) مجاور فعل، پیش از فعل، پس از فعل یا متصل به سازه قبل از فعل. راسخ‌مهند (۱۳۸۹) واژه‌بست‌های ضمیری زبان

<sup>1</sup> G. Pullum

<sup>2</sup> J. Klavans

<sup>3</sup> D. Nübling

فارسی در کنار فعل را بررسی کرده و نشان داد که در واژه‌بست‌های ضمیری در کنار فعل، ۲ نقش متفاوت دارند. واژه‌بست‌های افعال مرکب پی‌بستی حضوری اجباری دارند و به نشانه‌ی مطابقه تبدیل شده‌اند. واژه‌بست‌ها در نقش نشانه‌ی مفعول نیز واژه‌بست‌های منضم و حاصل مضاعف‌سازی هستند و به نشانه‌ی مطابقه تبدیل نشده‌اند. در مطالعه و بررسی گویش‌های زبان‌های ایرانی، بیشتر به پی‌بست‌های ضمیری پرداخته شده است. از جمله معدود مقاله‌هایی که انواع واژه‌بست را مطالعه کرده‌اند، می‌توان به چند مقاله اشاره کرد: بی‌جن‌خان و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۰: ۱۳) با پیروی از نظریه‌ی واج‌شناسی نوایی، واژه‌بست‌های زبان فارسی را شامل این موارد می‌داند: ۱. پسوند ندا ۲. صورت مخفف هم [-am] ۳. کسره اضافه ۴. یای نکره ۵. یای موصولی ۶. شناسه‌های فعلی ۷. صورت وابسته فعل بودن ۸. ضمائر پیوسته ۹. نشانه‌ی تأکید ها ۱۰. صورت مخفف کلمه عطف و [-o]. به باور (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۴) «واژه‌بست‌ها از این حیث که از نظر واجی به یک میزبان وابسته‌اند، با وندها مشابهت دارند. از این نظر، پیش‌بست‌ها مانند پیشوند و پی‌بست‌ها مانند پسوند عمل می‌کنند. اما نکته مهم این است که بین خصوصیات واژی-نحوی و واجی واژه‌ها همیشه رابطه‌ی یک به یکی وجود ندارد.» در بررسی ایشان، واژه‌بست‌های زبان فارسی که بر اساس الگوهای رده‌شناختی آبخن والد<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) بیکل<sup>۲</sup> و نیکلز<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) و کلاونس (۱۹۸۵) مطالعه شده‌اند، شامل ۱. ضمائر پیوسته شخصی ۲. علامت عطف ۳. الف ندا ۴. نشانه‌ی نکره ی ۵. نشانه‌ی اضافه و ۶. صورت‌های مخفف فعل ربطی بودن است و الگوی پیشنهادی آبخن والد را برای شناسایی و بررسی واژه‌بست‌های زبان فارسی، علمی و مناسب می‌دانند.

گوهری و همکاران (۱۳۹۹) واژه‌بست را در گویش کردی کلهری ایلامی بر اساس الگوی پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) از سوی شقاقی (۱۳۷۴) بررسی کرده است که عبارتند از: ضمائر پیوسته شخصی، فعل ربطی، نشانه‌ی مفعولی، نشانه‌ی نکره، نشانه‌ی ماضی بعید، نشانه‌ی مجهول. در این مطالعه، نشانه‌ی مفعولی و معرفه با هم آمده و جمله‌های نمونه، تنها از افعال متعدی آورده شده‌اند. میرزایی و همکاران (۱۳۹۹) نیز واژه‌بست در گویش طالقانی را بر اساس الگوی پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) بررسی کرده و ۹ واژه‌بست از جمله /-e/ نشانه‌ی مفعولی، /-e/ متمم‌ساز، /o/ نشانه‌ی عطف، /-am/ معادل هم در زبان فارسی، /-e/ معرفه‌ساز، /-i/ اضافه، /-â/ نشانه‌ی تأکید، افعال پی‌بستی و ضمائر پیوسته را برشمرده است. محمودی بختیاری و همکاران (۱۴۰۰) واژه‌بست‌های گویش‌های گوناگون زبان گیلکی را با نگرشی رده‌شناختی بر اساس پرسش‌نامه‌ی موسسه پلانکس مطالعه کرده‌اند. تاکنون درباره واژه‌بست و دیگر مقوله‌های دستوری گویش کندازینی، پژوهشی مستقل و مرتبط انجام نشده است. عمادی (۱۳۸۴) نگاهی گذرا و کلی به موضوع واژه‌بست‌ها در این گویش داشته است که با ذکر مثال‌هایی واژه‌بست‌های این گویش را صورت‌های تصریفی فعل حال «بودن» /bod-o/ ضمیرهای پیوسته مفعولی و ملکی،

<sup>1</sup> A.Y. Aikhenvald

<sup>2</sup> B. Bickel

<sup>3</sup> J. Nichols

کسره اضافه، نشانه نکره و وحدت، نشانه معرفه و نشانه ندا برشمرده است. با این حال، پژوهش پیش رو نخستین گامی است که می‌کوشد بر بررسی و مطالعه‌ای ویژه در واکاوی و بازشناسی واژه‌بست‌ها بر پایه الگوهای رده‌شناختی و نظرات زبان‌شناختی و نیز پاره‌ای از ویژگی‌های دستوری این گویش به دست دهد. داده‌های زبانی این گویش می‌تواند پرتویی بر دانش ایران‌شناسی، شناخت و مطالعه زبان‌های ایرانی و پژوهش‌های رده‌شناسی باشد و در ارائه الگو و چارچوبی جامع و کامل برای شناخت واژه‌بست‌ها و تمایز آن‌ها از وندها و واژه‌ها قابل بحث و نظر باشد.

### ۳. چارچوب نظری و روش پژوهش

این مقاله در چارچوبی توصیفی-تحلیلی نگاشته شده و شیوه پژوهش در بررسی و مطالعه این گویش میدانی و کتابخانه‌ای است. در این بررسی، ۶ نفر گویشور مرد و ۶ گویشور زن در گروه‌های سنی ۳۵ تا ۸۰ ساله از افراد بی‌سواد، کم‌سواد و باسواد همکاری داشته‌اند. شایان یادآوری است که از گویشوران باسواد، تنها در بررسی و آشنایی اولیه پژوهشگر از ساخت انواع زمان‌ها استفاده شده و دستگاه صدا ضبط‌کن دیجیتال به کار رفته است. جمع‌آوری پیکره زبانی این گویش با مصاحبه و گفتگو و یا پرسیدن جمله‌هایی با واژه‌بست‌های مورد نظر در ساختارهای گوناگون به زبان فارسی از گویشوران مختلف و یا ضبط صدای گویشوران به هنگام بیان خاطره، سرگذشت، داستان، آداب و رسوم و سنن انجام شده است.

پیکره زبانی این مطالعه درباره جمله‌های مورد نظر واژه‌بست‌ها، از مجموع ۵,۰۰۰ جمله آوانگاری شده، انتخاب و مطالعه شده است. افزون بر این، در این پژوهش از واژگان و پرسشنامه‌های کیا (۱۳۴۰)، کلباسی (۱۳۷۶)، زمردیان (۱۳۷۹)، عمادی (۱۳۹۸) و فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹) بهره برده شده است. الگوهایی که برای تشخیص این واژه‌بست‌ها در این مقاله به کار برده شده‌اند، معیارها و آزمون‌هایی هستند که شقاقی (۱۳۷۴) برای بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در زبان فارسی از زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) و کلاونس (۱۹۸۵) اقتباس کرده است. به گفته شقاقی (۱۳۷۴: ۱۴۴)، «تکواژهای وابسته زبان را می‌توان، بر مبنای آزمون‌های زوئیکی و پولوم به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کرد. اتصال واژه‌بست به پایه و حوزه عملکرد آن‌ها را می‌توان با استفاده از پارامترهای پیشنهادی کلاونس تعیین کرد.»

### ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش با پیروی از الگو شقاقی (۱۳۷۴) آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) استفاده شده‌اند. این آزمون‌های انتخابی به سه گروه آوایی، صرفی و نحوی تعلق دارند. نشانه‌های قراردادی، کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها در تحلیل داده‌های این مطالعه، در پیوست‌های (۱) و (۲) آورده شده‌اند.

## ۱.۴ آزمون‌ها

### ۱.۱.۴ آزمون آوایی<sup>۱</sup>

آزمون آوایی دربارهٔ گویش کندازینی صدق پیدا می‌کند. از این آزمون، برای تمییز واژه‌بست از وند تصریفی یا اشتقاقی استفاده می‌شود. افزودن وندهای اشتقاقی و تصریفی اغلب موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود. اما افزودن واژه‌بست، تغییری در طرح تکیه پایه ایجاد نمی‌کند. در گویش کندازینی، تکیهٔ واژه *gerdon* «گردو» بر روی هجای دوم است. پس از افزودن وند تصریفی جمع *-â*، تکیه از جایگاه دوم به جایگاه سوم تغییر می‌کند.

(1) *ger'don* + *-â* → *gerdo'nâ*

walnut + PL → walnuts

گردو           ها-           گردوها

(2) *ger'don-â=yô*   *em=xarri* → *gerdon'âyo emxarri*

walnut-PL=OB   PC-1SG=buy.PT

We bought the walnuts           گردوها را خریدم.

اما هنگامی که واژه‌بست‌های معرفه *=o*، یای نکره *=i*، حرف هم‌پایگی *=o*، نشانهٔ مفعولی صریح *=o*، ضمائر پیوستهٔ شخصی *=em*، *=et*، *=eš*، *=emu*، *=etu*، *=ešu*، کسرهٔ اضافه *=e*، مخفف‌ها تأکید *=â*، مخفف قید افزایش هم *=am*، افعال بی‌بستی *=em*، *=e*، *=en*، *=om*، *=it*، *=en* در پی واژه *ger'don* می‌آیند، جایگاه تکیه تغییر نمی‌کند.

(3) *ger'don* + *=o* → *ger'dono*

walnut + =DF → the walnut

گردو (معرفه)           معرفه           گردو

(4) *ger'don* + *=i* → *ger'doni*

walnut + =IND → a walnut

گردویی           =ی           گردو

(5) *ger'don* + *=o* + *badum* → *ger'don=o badum*

walnut + =o + almond

گردو و بادام           بادام           و گردو

(6) *ger'don* + *=e*   *mehrân* → *ger'don=e mehrân*

walnut + =EZ   Mehran   Mehran's walnut

<sup>1</sup> phonological test



گردوی مهران      مهران - گردو

(7) *ger'don + =em* → *ger'don=em*

Walnut + =PC-1SG → My walnut

گردویم (گردوی من)      م - گردو

(8) *i ger'don +=am*      *o-ssu* → *i ger'don=am ossu*

this walnut + =also      IP-pick up

Pick up this walnut too.      این گردو را هم بردار.

(9) *en + ger'don=en*

this + walnut=CP-3SG

This/ that is a walnut.      این گردو است.

#### ۴.۱.۲- آزمون صرفی<sup>۱</sup>

برای تمایز گذاردن واژه‌بست از وندها و واژه‌ها از ۴ آزمون وابستگی<sup>۲</sup>، جلوگیری از وندافزایی<sup>۳</sup>، توزیع<sup>۴</sup> و خلاء<sup>۵</sup> اتفاقی (اختیاری)<sup>۵</sup> استفاده می‌شد.

#### ۴.۱.۲.۱- وابستگی

برای تمایز گذاری میان واژه‌بست و واژه از آزمون وابستگی استفاده می‌شود. به طور مثال، در ساخت جمله، پی‌بست ضمیری باید به یک پایه متصل شود و استفاده از پی‌بست ضمیری به عنوان هسته گرو اسمی، موجب غیردستوری شدن جمله نادرستی (10) می‌شود.

(10) \**et=kākā*      *ami*

\**PC-2SG=brother*      *come.PT.3SG*

#### ۴.۲.۱.۲- جلوگیری از وندافزایی

از این آزمون می‌توان برای تمییز وندهای اشتقاقی از واژه‌بست‌ها و وندهای تصریفی به کار برد. هرگاه واژه‌بست به پایه متصل شود، دیگر نمی‌توان به مجموعه (پایه + واژه‌بست)، هیچ نوع وند تصریفی‌ای<sup>۶</sup> اضافه کرد.

(11a) *pātil=emu =am*      *emu=šos*

cauldron=PC-1PL=also      PC-1PL=wash.PT

We washed our cauldron.      پاتیل‌مان را هم شستیم.

<sup>1</sup> morphological test

<sup>2</sup> relevance

<sup>3</sup> affixation blocking

<sup>4</sup> distribution

<sup>5</sup> arbitrary gap

<sup>6</sup> morphological affix

(12a) *pâtil-â=mu=am*                      *emu=šos*  
cauldron-PL=PC-1PL=also    PC-1PL=wash.PT

We washed our cauldrons. پاتیل‌های‌مان را هم شستیم.

(11b)\* *pâtil=am=emu*                      *emu=šos*  
cauldron=also=PC-1PL    PC-1PL=wash.PT

(12b) \**pâtil=emu-â=am*                      *emu=šos*  
cauldron=PC-1PL-PL=also    PC-1PL=wash.PT

در جمله (11b)، چون پی‌بست *am* = پیش از پی‌بست *emu* = آمده و در جمله (12b)، چون پسوند جمع *-â* پس از پی‌بست *emu* = آمده، جمله‌ها نادرستی شده‌اند.

#### ۳.۲.۴. توزیع

از این آزمون برای تمییز وندهای اشتقاقی و تصریفی از واژه‌بست استفاده می‌شود. مثلاً پسوند نشانه صفت برتر *-tar* همیشه به پایه‌ای از مقوله صفت متصل می‌شود. واژه‌بست در گزینش واژه پایه، از محدودیت کم‌تری برخوردار است.

(13) *ga:p + -tar* → *ga:p-tar*  
big + -CMP → bigger  
بزرگ‌تر                      تر - بزرگ

(14a) *Bahman čoppun=en*  
*Bahman shepherd=CP.PR-3SG*  
Bahman is a shepherd. بهمن چوپان است.

(14b) *xorâk âmâda=n*  
food    ready=CP.PR-3SG  
خوراک آماده است. The food is ready.

(14c) *arusi emšow=en*  
wedding    tonight=CP.PR-3SG  
عروسی امشب است. Tonight is wedding./ The wedding is tonight.

(14d) *em (ke=en → ke:=n)*  
this.H    who=CP.PR-3SG  
Who is this? این کیست؟

(14e) *en šiš=en*

this six=CP.PR-3SG

This is the number six. این (عدد) شش است.

## ۴.۱.۲.۳. خلاء اتفاقی / اختیاری

این آزمون برای تمایزگذاری میان واژه‌بست و وندها استفاده می‌شود. واژه‌بست در همه جایگاه‌هایی که نحو تعیین کند، به کار می‌رود و در ترکیب (واژه + واژه‌بست) خلاء اتفاقی دیده نمی‌شود. اما خلاء اتفاقی در ترکیب (واژه + ونده) دیده می‌شود. با افزودن پسوند اشتقاقی *-a* به ستاک زمان گذشته بعضی از افعال، می‌توان صفت مفعولی ساخت.

(15) *xofted-a*

asleep خوابیده

(16) *šassed-a*

sitting نشسته

اما واژه‌هایی مانند *\*dowed-a* دویده و *\*ešt-a* رفته کاربرد ندارند.۴.۱.۳. آزمون‌های نحوی<sup>۱</sup>

آزمون‌های نحوی دو عبارتند از: حذف به قرینه<sup>۲</sup> و حرکت<sup>۳</sup>. این آزمون‌ها بر ترکیب (واژه + واژه‌بست) مانند ترکیب (واژه + واژه) عمل می‌کنند. یعنی واژه‌بست را عنصری نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌کنند.

## ۴.۱.۳.۱. قاعده حذف به قرینه

با استفاده از این آزمون، واژه‌بست از وندها تمییز داده می‌شود. در این آزمون، قاعده حذف به قرینه بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند و کل واژه را می‌تواند حذف کند.

(17) *âraš eyko bi vali [âraš] raf*

Arash here be.PT.3SG but [Arash] go.PT.3SG

Arash was here but he went. آرش اینجا بود ولی رفت.

(18a) *bowâ=m=o māmâ=m amd-en*

father=PC-1SG=and mother=PC-1SG come.PT-3PL

My father and mother came. پدرم و مادرم آمدند.

(18b) *bowâ=v<sup>o</sup>o māmâ=m amd-en*<sup>1</sup> syntactic tests<sup>2</sup> ellipsis<sup>3</sup> transference

father=and mother=PC-1SG come.PT-3PL

My father and mother came. پدر و مادرم آمدند.

اما حذف به قرینهٔ پسوند جمع *-â*، می‌تواند جملهٔ دستوری (19a) را به جمله غیردستوری و مبهم (19b) تغییر دهد.

(19a) *zen-â=yo merd-â vâ-gešt-en*

woman-PL=and man-PL VP-turn.PT-3PL

Women and men returned/ came back. زنان/زنها و مردان/ مردها برگشتند.

(19b)\* *zene=yo merd-â vâ-gešt-en*

woman=and man-PL VP-turn.PT-3PL زن و مردها برگشتند.

باید توجه داشت که جملهٔ (19b) می‌تواند از نظر دستوری درست باشد، اگر پی‌بست نشانهٔ معرفه *=o* پس از واژهٔ *zene* «زن» و به دنبال آن نشانهٔ هم‌پایگی (حرف ربط) *=o* بیاید. در این صورت، جمله (20c) می‌تواند دستوری باشد.

(20c) *zene=yo=v<sup>o</sup> merd-â vâ-gešt-en*

woman=DF=and man-PL VP-turn.PT-3PL

The woman and a group of men returned/ came back.

حذف به قرینهٔ پسوند اشتقاقی، جملهٔ دستوری (21a) را به جملهٔ نادرستی (21b) تغییر می‌دهد.

(21a) *xub-i=yo bozorg-i az xod=(e)t=en*

goodness=and generosity from self=PC-2SG=CP.PR-3SG

You are good and generous. خوبی و بزرگی از خودت است.

(21b)\* *xub=o bozorg-i az xod=(e)t=en*

good=and generosity from self=PC-2SG=CP.PR-3SG

#### ۴.۱.۳.۲. قاعدهٔ حرکت

این آزمون برای تمایزگذاری میان واژه‌بست و واژه است. این قاعده نیز بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند و کل کلمه را می‌تواند در جمله جابه‌جا کند. هر گاه با این قاعده بتوان یکی از دو بخش یک ترکیب (X+ Y) را بدون دیگری حرکت داد، با واژه سر و کار داریم.

(22) *a mâ rassed → rassed a mâ*

to us reach.PT.3SG → reach.PT.3SG to us

He/she/it reached us. او به ما رسید.

(23) *a če tersed-e → tersed-e a če*  
 of what fear.PT-2SG → fear.PT-2SG of what

What are you afraid of? از چه ترسیدی؟

(24a) *beješ̄k=i=m gero*  
 sparrow=IND=PC-1SG take.PT

I took a sparrow. گنجشکی گرفتم.

(24b)\* *beješ̄k=em=gero(ft)=i*  
 sparrow=PC-1SG=take.PT-1SG=IND

(25a) *divâr=eš kaj=en*  
 wall=PC-3SG crooked=CP.PR-3SG

Its wall is crooked. دیوارش کج است.

(25b)\* *divâr kaj=en=eš*  
 wall crooked=CP.PR-3SG=PC-3SG

#### ۲.۴. انواع واژه‌بست‌های گویش کندازینی در ساختارها و نقش‌های گوناگون

در این بخش از مقاله، انواع واژه‌بست‌ها به تفکیک و به همراه مثال در جمله‌های آوانویسی‌شده و تحلیل‌شده دستوری آورده شده است. شایان یادآوری است که در این پژوهش واژه‌بست‌هایی که برای گویش کندازینی در نظر گرفته شده‌اند، عبارتند از ۱. صورت‌های مخفف فعل بودن در زمان حال (افعال پی‌بستی)<sup>۱</sup>، ۲. ضمیرهای پیوسته شخصی ۳. نشانه هم‌پایگی [=O]، ۴. نشانه نکره و نکره تخصیصی (یای موصولی)، ۵. نشانه اضافی (کسره اضافه)، ۶. نشانه معرفه، ۷. نشانه مفعولی صریح، ۸. نشانه متمم‌ساز، ۹. صورت مخفف «هم»، ۱۰. نشانه تأکید ها [=â]

#### ۲.۴.۲. انواع واژه‌بست‌های ضمیری

واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش ضمیرهای شخصی پیوسته هستند که به صورت پی‌بست یا پیش‌بست (در جمله‌های ضمیرافکن)، به ترتیب پس از میزبان یا پیش از میزبان می‌آید و شخص و شمار را دربرمی‌گیرد.

<sup>1</sup> enclitic verbs

این پی‌بست‌های ضمیری می‌توانند نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح، ملکی یا اضافی (مضاف‌الیهی) داشته باشند. شایان یادآوری است که واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کندازینی از نظر نحوی و در ساختار جمله کامل، پی‌بست هستند ولی از آن‌جا که در این گویش نیز مانند فارسی نو، جمله‌هایی با ضمیرافکن فاعلی دارد، در گفتار عادی و معمول گویشوران کندازینی، واژه‌بست‌های فاعلی به ستاک فعل در فعل‌های ساده، به پیشوند فعلی در فعل‌های پیشوندی و گاهی به عنصر غیرفعلی در فعل‌های مرکب به عنوان میزبان می‌چسبند و به صورت پیش‌بست ظاهر می‌شود.

#### ۱.۲.۲.۴. واژه‌بست‌های فاعلی

واژه‌بست‌های فاعلی در گویش کندازینی عبارتند از *em-م*، *et-ت*، *eš-ش*، *emu-مان*، *etu-تان*، *ešū-شان* که به صورت کنایی ظاهر می‌شوند و در فعل‌های متعدی زمان گذشته و در فعل‌های «توانستن»، «خواستن» و «داشتن» در زمان حال و گذشته دیده می‌شوند. واژه‌بست‌های فاعلی، عنصر مطابقت شخص و شمار هستند که با ضمیرهای مفعولی/ملکی از نظر واجی و ساخت‌واژی مطابقت ولی در جمله نقش نحوی متفاوتی دارند. واژه‌بست‌های فاعلی میزبان‌های گوناگونی می‌توانند داشته باشند که در ادامه نمونه‌هایی بر پایه پیکره زبانی گردآوری شد، ارائه می‌شود. میزبان‌های واژه‌بست‌های فاعلی عبارتند از اسم، ضمیر، ستاک فعل، صفت مفعولی، پیشوند فعلی، عنصر غیرفعلی در فعل مرکب، نشانه نمود ناقص، نشانه نفی، صفت، قید، نشانه نکره/وحدت، نشانه معرفه، نشانه مفعولی صریح، حرف اضافه، حرف شرط، حرف ربط که در بند موصولی.

الف) اسم + واژه‌بست فاعلی

(26) *a u-v<sup>m</sup>â ow=em dâ*  
to that-PL water=PC-1SG give.PT  
I gave water to them. به آن‌ها آب دادم.

ب) ضمیر شخصی آزاد + واژه‌بست فاعلی

(27) *az oy=em essey*  
from he/she=PC-1SG take.PT  
I took from him/her. از او گرفتم.

پ) ضمیر شخصی پیوسته + واژه‌بست فاعلی

(28) *bowâ=m=eš di*  
father=PC-1SG=PC-3SG see.PT  
My father saw. بابایم دید.

(ت) ضمیر اشاره + واژه‌بست فاعلی

- (29) *en=t-az kojâ xarri*  
 this=PC-2SG-from where buy.PT  
 Where did you buy this? این را از کجا خریدی؟

(ث) ضمیر پرسشی + واژه‌بست فاعلی

- (30) *ke=š i kâγaz-â=yo para kerd-a*  
 who=PC-3SG this papers-PL=DF torn do.PT-PP  
 Who has torn these papers? کی این کاغذها را پاره کرده است؟

(ج) ضمیر متقابل + واژه‌بست فاعلی

- (31) *az ham=eš jedâ ke*  
 from each other=PC-3SG separate do.PT  
 He/she seperated it from eath other. از هم جدا کرد.

(چ) ضمیر مبهم + واژه‌بست فاعلی

- (32) *ešu=hama=mu pâdâš dâ*  
 PC-3PL=all=PC-1PL prize give.PT  
 They gave a prize to all of us. به همه‌مان پاداش دادند.

(ح) ستاک فعل + واژه‌بست فاعلی

- (33) *az ganem=etu em=essey*  
 from wheat=PC-2PL PC-1SG=take.PT  
 I took some wheat of yours. از گندمتان برداشتم.

- (34) *em=bess=eš oyko*  
 PC-1SG=throw.PT=PC-3SG there  
 I threw him/her/it over there. آن‌جا انداختمش.

(خ) صفت مفعولی + واژه‌بست فاعلی

- (35) *nâr-â=yo ešu=roft-a eyko*  
 pomegranate-PL=DF PC-3PL=place.PT-PP here  
 They placed the pomegranate here. انارها را این‌جا ریخته‌اند.

(د) پیشوند فعلی + واژه‌بست فاعلی + ستاک فعل

- (36) *xun-â=šū*                      *et=vâ-rru*  
 room-PL=PC-3PL    PC-2SG=VP-sweep up.PT

اتاق‌های‌شان را جارو کردی؟ Did you sweep their rooms up

(ذ) عنصر غیرفعلی در فعل مرکب + واژه‌بست فاعلی

- (37) *dinna*            *eyko*            *bâzi=šū*            *mi-ke*  
 yesterday    here    play=PC-3PL    IM-do.PT

دیروز این‌جا بازی می‌کردند. They played/were playing here.

- (38) *xode dâyi=š*                      *eš=kâr*                      *mi-ke*  
 with uncle=PC-3SG    PC-3SG=work    IM-do.PT

با دایی‌اش کار می‌کرد. He/she worked/was working with his/her uncle.

(ر) نشانه نمود ناقص + واژه‌بست فاعلی

- (39) *et=mi-šâ*                      *en=o*                      *o-non-a ru*                      *divâra*  
 PC-2SG=IM-can.PR    this=OB    SB-put.PR-on    wall

می‌توانی آن را روی دیوار بگذاری؟ Can you put it on the wall?

- (40) *aga zu*            *amd-a*            *bod-e*            *xers-â=yo*                      *et=mi-di*  
 if    early    come.PT-PP    be.PT-2SG    bear-PL=DF    PC-2SG=IM-see.PT

اگر زود آمده بودی، خرس‌ها را می‌دید. If you came earlier, you could see the bears.

(ز) نشانه نفی + واژه‌بست فاعلی

- (41) *tâ kono*            *indow*            *parande=yi*                      *em=na-yitt-a*                      *bi*  
 by    now    such    bird=IND    PC-1SG=NG-see.PT-PP    be.PT

تا کنون چنین پرنده‌ای ندیده بوده‌ام. I haven't seen such a bird by now.

- (42) *eš=na-šas*                      *asb=o*                      *mâhâr*                      *kon-d*  
 PC-3SG=NG-can.PT    horse=OB    restraint    (SB).do.PR-3SG

نتوانست شتر را مهار کند. He/she couldn't restrain the horse.



(43) *dâde=y me:ra=š eš=ne-mi-lešt*

sister=EZ husband=PC-3SG PC-3SG=NG-IM-let.PT

خواهر شوهرش اجازه نمی‌داد. Her husband's sister didn't allow.

ژ) صفت + واژه‌بست فاعلی

(44) *ĵume=y safid=em ke bar=em*

shirt=EZ white=PC-1SG do.PT body=PC-1SG

پیراهن سفید را (به) تنم کردم. I wore my white shirt.

س) قید + واژه‌بست فاعلی

(45) *šâyad=eš vâ-di*

perhaps=PC-3SG VP-see.PT

شاید پیدایش کند. Maybe he/she finds.

ش) نشانهٔ نکره/وحدت + واژه‌بست فاعلی

(46) *a ya ĵâ=yi=m di*

in a place=IND=PC-1SG see.PT

در جایی دیدم. I saw somewhere.

(47) *az gerdon-â=yo yek=i=m essey*

from nut-PL=DF one=UNI=PC-1SG pick up.PT

از گردوها یکی برداشتم. I picked up one of the nuts.

ص) نشانهٔ معرفه + واژه‌بست فاعلی

نشانهٔ مفعولی صریح و معرفه در گویش کندازینی  $O=$  است. در این مطالعه سعی شده است از مثال‌های گویاتر و انحصاری‌تر استفاده شود. (نک. ۴-۲-۶. نشانهٔ مفعولی صریح و معرفه).

(48) *a u bâl=o=mu vâ-di*

from that up=DF=PC-1PL VP-see.PT

آن بالا پیدایش کردیم. We found him/her/it over there.

ض) نشانهٔ مفعولی صریح + واژه‌بست فاعلی

(49) *nâr-â=yo=m bo*

pomegranate-PL=OB=PC-1SG take.PT

I took the pomegranate. انارها را بردم.

(ط) حرف اضافه + واژه‌بست فاعلی

(50) *tâ=m na-goft-a bâl na:y-it*

until=PC-1SG NG-see.PT-PP up PRO-come.PR-2PL

Don't come up, until I tell you. تا نگفتم، بالا نیایید.

(51) *em=az=iš nâma nevešt*

PC-1SG=for=PC-3SG letter write.PT

I wrote a letter for him/her. برایش نامه نوشتم.

(52) *em=a si=t go*

PC-1SG=to /for=PC-2SG tell.PT

I told you. بهت گفتم.

(ظ) حرف شرط + واژه‌بست فاعلی

(53) *aga=šu xo mariz mi-b-en*

if=PC-3PL eat.PT sick IM-get.PR-3PL

If they eat from that, they will get poisoned. اگر خوردند، مسموم می‌شوند.

(ع) حرف ربط که در بند موصولی + واژه‌بست فاعلی

(54) *dâs=i ke=t avord mâl=e mo ni*

sickle=IND that=PC-2SG bring.PT for=EZ I NG.be.PR

The sickle which you brought, isn't mine. داسی که آوردی، مال من نیست.

(غ) اسم / صفت / قید + واژه‌بست فاعلی

این ساختار در فعل‌های مرکب پی‌بستی (فعل‌های لازم یک‌شخصه به تعبیر دستورنویسان سنتی) در جمله دیده می‌شود. به این صورت که ضمیر پیوسته شخصی به عنصر غیرفعلی می‌چسبد و سپس عنصر فعلی می‌آید. در این ساختار، ضمیر حضوری اجباری دارد و به نشانه مطابقه تبدیل شده است و عنصر فعلی به صورت سوم شخص

مفرد ظاهر می‌شود. فاعل این افعال در جمله، نقش معنایی تجربه‌گر<sup>۱</sup> دارد. (برای اطلاعات بیشتر نک. راسخ‌مهند ۱۳۸۹: ۷۵ و انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۶: ۱۹۳).

(55) *xoš=emu ami*

good=PC-1PL come.PT

We liked (it). خوش‌مان آمد.

(56) *xow=m=eš bo*

sleep=PC-1SG=PC-3SG take.PT

I fell asleep. خوابم برد.

(57) *bas=et=en*

enough=PC-2S=CP-PR-3SG

That's enough for you. بست است.

#### ۲.۲.۴- واژه‌بست‌های مفعولی صریح

میزبان ضمیرهای پیوسته شخصی می‌تواند مقوله‌های دستوری مانند ضمیر پرسشی، اسم/ صفت، شناسه فعل، ستاک فعل و یا واژه‌بستی فاعلی در فعلی کنایی باشد و در جمله، نقش دستوری مفعول صریح را ایفا کنند. ضمیرهای پیوسته شخصی در این گویش شامل *=em*، *=et*، *=eš*، *=emu*، *=etu*، *=ešu* است. گاهی واژه [e] در ضمیرهای پیوسته شخصی به دلیل اصل کم‌کوشی و یا سهولت و روانی در تلفظ ممکن است ظاهر نشود. الف) ضمیر پرسشی + ضمیر پیوسته شخصی

(58) *ču=t šod*

what=PC-2SG become.PT.3SG

What happened to you? (چاهات شد؟ (ترا چه شد؟)

ب) اسم/صفت + ضمیر پیوسته شخصی

این ترکیب در فعل‌های مرکب متعددی دیده می‌شود و واژه‌بست پس از عنصر غیرفعلی ظاهر می‌شود.

(59) *eš=az xow bidâr=om ke*

PC-3SG=from sleep awake=PC-1SG do.PT

He/she woke me up. از خواب بیدارم کرد.

<sup>1</sup> experiencer

- (60) *jâr=em=eš*                      *zey*  
 call=PC-1SG=PC-3SG    do.PT  
 He/she called me. جارم زد.

(پ) شناسه فعل + ضمیر پیوسته شخصی

- (61) *a*            *dür*            *mi-ben-em=et*  
 from    far            IM-sec.PR-1SG=PC-2SG  
 I can see you from a far. از دور می‌بینمت.

(ت) ستاک فعل + ضمیر پیوسته شخصی

- (62) *eš=avord=em*  
 PC-3SG=bring.PT.3SG=PC-1SG  
 He/she brought me. (مرا آورد).

(ث) واژه‌بست فاعلی + ضمیر پیوسته شخصی

- (63) *sag=eš=em*                      *geroft*  
 dog=PC-3SG=PC-1SG    bite.PT  
 A dog bit me. سگ گازم گرفت. / سگ گرفتیم.

#### ۳.۲.۲.۴ - واژه‌بست‌های مفعولی غیر صریح

در واژه‌بست‌های مفعولی غیر صریح (متممی)، حرف اضافه پیش از ضمیر پیوسته شخصی می‌آید.

- (64) *a*    *si=eš*                      *be-gu*  
 to/ for=PC-3SG    IP-tell.PR.2SG  
 Tell him/her. بهش بگو.

- (65) *az=em*                      *nâr =eš*                      *xarri*  
 from=PC-1SG            pomegranate=PC-3SG    buy.PT  
 He/she bought some pomegranate from me. ازم (از من) انار خرید.

- (66) *az=ešu*                      *na-rassed-em*  
 to=PC-3PL    NG-reach.PT-1SG  
 I didn't reach them. به آن‌ها نرسیدم.

- (67) *xod=eš*                      *m-a:-m*

with=PC-3SG IM-come.PR-1SG

I will come with him/her. باهاش (با او) می‌آیم.

#### ۴.۲.۲.۴ واژه‌بست‌های اضافی

الف) اسم + ضمیر پیوسته شخصی

(68) *mo yâd=em ni*

I memory=PC-1SG NG.be.3SG

I don't remember./ I can't remember.

(69) *xorâk=eš soft*

food=PC-3SG burn.PT.3SG

His/her food was burned. خوراکش سوخت.

ب) ضمیر پرسشی + ضمیر پیوسته شخصی

(70) *a kojâ=t dard mi-kon-d*

from where=PC-2SG ache IM-do.PR-3SG

Where does it hurt? کجایت (کجای بدنت) درد می‌کند؟

پ) ضمیر مبهم + واژه‌بست اضافی

(71) *az ham=ešu vâ-pors*

from all=PC-3PL VP-ask.PR.2SG

Ask all of them. از همه‌شان بپرس.

ت) ضمیر مشترک خود

به طور کلی شاید بتوان گفت که ضمیرهای مشترک، بر ساخته‌ای از ضمیر خود و واژه‌بست‌های اضافی باشند.

ضمیرهای مشترک در گویش کندازینی عبارتند از *xo:m* خودم، *xo:t* خودت، *xo:š* خودش، *xo:mu* خودمان، *xo:tu* خودتان، *xo:šu* خودشان.

(72) *xo:=m ešt-om*

self=PC-1SG go.PT-1SG

I myself went. خودم رفتم.

(73) *xo:=mu bel=emu ma*

self=PC-1PL spade=PC-1Pl (IM).want.PR

We ourselves want the spade. ما خودمان بیل را می‌خواهیم.

(ث) صفت + ضمیر پیوسته شخصی

(74) *ka:re=y čâγ=et=o hâ-de*

kid=EZ fat=PC-2SG=OB IP-give.PR

Give the fat kit (to me). بزغاله چاقت را بده.

(ج) قید + ضمیر پیوسته شخصی

(75) *a duman=eš ofti*

from down=PC-3SG fall.PT.3SG

It fell from its down. از پائینش افتاد.

#### ۱.۲.۴. واژه‌بست‌های غیر ضمیری

#### ۱.۲.۴. صورت‌های مخفف فعل «بودن» در زمان حال

صورت‌های مخفف فعل «بودن» در زمان حال در گویش کندازینی عبارتند از *em* = *m*، *e* = *yi*، *en* = *ast* (-ه/در فارسی رسمی گفتاری)، *om* = *im*، *it* = *id*، *en* = *nd*. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، صورت فعل‌های پی‌بستی در سوم شخص مفرد و جمع یکی است. میزبان فعل‌های پی‌بستی می‌تواند مقوله‌های دستوری مانند اسم، ضمیر شخصی، ضمیر پرشی، ضمیر اشاره، ضمیر متقابل، صفت و قید باشد و در جمله، نقش‌های دستوری مسند یا مسندالیه ایفا کنند.

(ب) ضمیر شخصی آزاد + فعل پی‌بستی

(76) *i ow mâl mâ=n*

this water for we=CP.PR-3SG

This water is ours. این آب برای ماست.

(الف) اسم + فعل پی‌بستی

(77) *em parvin=en*

this.H Parvin=CP.PR-3SG

This is Parvin. این پروین است.

(78) *oy čoppun=en*

he shepherd=CP.PR-3SG

او چوپان است.. He is a shepherd.

(پ) ضمیر شخصی پیوسته + فعل پی‌بستی

(79) *em gul kâkâ=š=en*

this.H son brother=PC-3SG=CP.PR-3SG

This is his/her nephew.

(ت) ضمیر پرسشی + فعل پی‌بستی

(80) *u če:=n*

that what=CP.PR-3SG

آن چیست؟ What is that?

(ث) ضمیر اشاره + فعل پی‌بستی

(81) *en=en yâ u=v<sup>w</sup>en*

this=CP.PR-3SG or that=CP.PR-3SG

این است یا آن؟ It is this or that?

(ج) ضمیر متقابل + فعل پی‌بستی

(82) *doft-â=y xâla=š mesl=e ham=en*

girl-PL=EZ aunt=PC-3SG like=EZ each other=CP.PR-3SG

His/her aunt's girls looks like each other. دخترهای خاله‌اش، مثل هم‌اند.

(چ) صفت + فعل پی‌بستی

(83) *ra: dūr=en*

path far=CP.PR-3SG

The path is far. راه دور است.

اگر واژه میزبان به واکه  $\hat{a}$  ختم شده باشد، در دوم شخص مفرد و همچنین اول شخص و دوم شخص جمع، همخوان میانجی  $-y-$  ظاهر می‌شود و در بقیه صورت‌ها، واکه واژه‌بست حذف می‌شود. اگر واژه میزبان به واکه  $e$  ختم شده باشد، در سوم شخص مفرد، واکه پایانی میزبان و واکه آغازی واژه‌بست ادغام شده و به صورت کشیده

[e:] تلفظ می‌شود. همچنین اگر واژه میزبان به واژه a ختم شده باشد، در سوم شخص مفرد، واژه آغازی واژه‌بست حذف شده و واژه پایانی میزبان به صورت کشیده [a:] تلفظ می‌شود.

(84) *emru čâršâmba + =en → čâršamba:=n*

Today Wednesday=CP.PR-3SG

امروز چهارشنبه است. Today is Wednesday.

(85) *siyâ + =en → siyâ=n*

black=CP.PR-3SG

سیاه است. He/She/It is black.

(86) *tersu + =en → tersu=v<sup>w</sup>en*

timid/ coward=CP.PR-3PL

ترسو/ ترسو هستند. They are timid/coward.

(87) *xassa + =e → xassa=ye*

tired=CP.PR-2SG

خسته‌ای؟ Are you a tired?

ح) قید + فعل پی‌بستی

(88) *mo a bâl=em*

I in high=CP.PR-1SG

من (در) بالا هستم. I'm high/ upstairs.

(89) *savak=e mâ eyko:=n*

ladder=EZ we here=CP.PR-3SG

نردبان ما، این‌جاست. Our ladder is here.

#### ۳.۲.۴. نشانه هم‌پایگی

نشانه هم‌پایگی در گویش کندازینی =0 است که در هر سه سطح واژه، گروه و جمله دیده می‌شود. واژه‌بست =0 میان دو مقوله دستوری اسم، صفت، قید، فعل، ضمیر می‌آید و آن‌ها را به هم ربط می‌دهد.  
الف) اسم + نشانه پیوند + اسم



(90) *nâr=o angür*  
 pomegranate=and grape انار و انگور

(91) *kâkâ=v<sup>w</sup>o dâdâ*  
 brother=and sister برادر و خواهر

(ب) ضمیر + نشانهٔ پیوند + ضمیر

(92) *mo=v<sup>w</sup>o oy*  
 I=and he/she من و او

(93) *en=o u(n)*  
 this=and that این و آن

(94) *hama=v<sup>w</sup>o huč*  
 all=and none همه و هیچ

(پ) صفت + نشانهٔ پیوند + صفت

(95) *pâk=o parčal*  
 clean=and dirty پاک و کثیف

(96) *pe:n=o boland*  
 wide=and long پهن و بلند

(ت) قید + نشانهٔ پیوند + قید

(97) *dinna=v<sup>w</sup>o dušna*  
 yesterday=and last night دیروز و دیشب

(98) *dür=o nazik*  
 far=and near دور و نزدیک

(ث) فعل + نشانهٔ پیوند + فعل

(99) *raft=o ami*  
 go.PT.3SG=and come.PT.3SG  
 He/ she ate and went/left. خورد و رفت.

(100)  $o-ssu=v^w o$   $o-ši$   
 IP-take.PR.2SG=and IP-sit.PR.2SG

Take it and sit. بگیر و بنشین.

(ج) مصدر + نشانه پیوند + مصدر

(101)  $hay$   $ešt=o=v^w o=amd=o$   $če$   $fâyda$   
 continuously go.PT=INF=and=come.PT=INF what use

What is the use of comings and goings?

#### ۴.۲.۴ نشانه نکره و وحدت

$i$  و گونه  $y$  = نشانه نکره در گویش کندازینی است. گونه  $y$  = پس از واژه‌هایی که به  $e/a$  ختم شده‌اند، ظاهر می‌شود. نشانه نکره پس از واژه‌های مختوم به  $i$  و  $u$  معمولاً ظاهر نمی‌شود. در واژه‌هایی که مختوم به واکه  $a$  هستند، تغییری واژ-واجی در واژه و نشانه اضافه صورت می‌گیرد. به این ترتیب که واکه  $a$  در واژه به  $e$  تغییر می‌کند و واژه‌بست به صورت  $y$  = ظاهر می‌شود (نک. عمادی، ۲۰۱۶).

(102)  $xuna + =i \rightarrow xune=y$

house a house خانه‌ای

(103)  $bota + =i \rightarrow bote=y$

tree a tree درختی

معمولاً زبان‌شناسان و دستورنویسان  $i$  = را برای نشانه نکره و وحدت در نظر گرفته‌اند. زیرا در بیش‌تر موارد، مفهوم وحدت را نیز دربرمی‌گیرد. با این حال، در همه جملات ممکن است مفهوم وحدت به طور مستقل و اخص منظور نویسنده یا گوینده باشد که در این نوشتار با  $UNI$  = نشان داده می‌شود. اگر وابسته اسمی در جمله باشد، نشانه  $i$  = در پایان وابسته‌های اسمی می‌آید. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۴: ۴۰) نشانه  $i$  = را «از لحاظ معنی به یک یا چند فرد و یا مورد نامشخص اعم از انسان، جانور، گیاه و یا هر چیز مادی یا غیرمادی اشاره می‌کند. افزون بر این، نشانه نکره به همراه اسم ناشمارا به معنی «محدود» دلالت می‌نماید.»

(104)  $ešt-en$   $a tu$   $xune=y$

go.PT-3PL to house=IND

They went/arrived into a house. وارد خانه‌ای شدند.

(105)  $emšow$   $hâl=eš$   $kam=I$   $bex-tar=en$

this year condition=PC-3SG little=IND good-CMP=CP.PR-3SG

امشب حالش کمی بهتر است. He is in a better situation/condition this year.

(106) a ganem=etu ya penj=i=m essey

from wheat=PC-2PL a fist=UNI=PC-1SG take.PT

I took a fist of your wheat. از گندمتان مُشتی/ یک مُشت برداشتم.

#### ۱.۴.۲.۴. یای تخصیص نکره

(107) jume=y ke essed-a bod-e para šod

shirt=IND that buy.PT-PP be.PT-1SG torn get.PT.3SG

The shirt that I had already bought got torn. پیراهنی که خریده بودم، پاره شد.

#### ۵.۲.۴. نشانه اضافه

کسره اضافه  $e$  = و واج‌گونه  $y$  = نشانه‌های اضافه در این گویش هستند. واج‌گونه  $y$  = پس از واژه‌هایی که به  $e/a$  ختم می‌شوند، پدیدار می‌گردد. نشانه اضافه معمولاً پس از واژه‌های مختوم به  $i$  و  $u$  ظاهر نمی‌شود. در واژه‌هایی که مختوم به واکه  $a$  هستند، تغییری واژ-واجی در واژه و نشانه اضافه صورت می‌گیرد. به این ترتیب که واکه  $a$  در واژه به  $e$  تغییر می‌کند و واژه‌بست به صورت  $y$  ظاهر می‌شود.

(108) emšow jume=y âbi mi-nn-em a bar=em

tonight shirt=EZ blue IM-do.PR-1SG on body=PC-1SG

I'm going to wear a blue shirt for tonight. امشب پیراهن آبی به تن می‌کنم.

(109) em doft=e šahnâz=en

this.H daughter=EZ Shahnaz=CP.PR-3SG

That's Shahnaz' daughter. این دختر شهناز است.

شایان یادآوری است که هر جا عدم استفاده از کسره اضافه، معنای جمله را مختل نکند و یا سهولت و راحتی در تلفظ و ادای گروه اضافی باشد، نشانه اضافه به کار برده نمی‌شود.

(110) ra: dowra ešt-en

path long distance go.PT-3PL

They went through a long path. راه دوره رفتند

(102) *suv<sup>w</sup>âr asb bod-em*

rider horse become.PT-1SG

I rode a horse. سوار اسب شدم.

#### ۴.۲.۶. نشانهٔ مفعولی صریح و معرفه

نشانهٔ مفعولی صریح و معرفه در گویش کندازینی =O است. در جمله‌هایی با فعل متعدی، نشانهٔ O می‌تواند همزمان ایفاگر نقش مفعولی و معرفه باشند. برای درک بهتر از این نشانه‌ها، از فعل‌های لازم و متعدی مثال آورده شده است.

#### ۴.۲.۶.۱. نشانهٔ معرفه

الف) اسم + نشانهٔ معرفه

(111) *bače=yo dar-raft*

boy=DF VP-go.PT.3SG

The boy ran away. بچه دررفت.

(112) *xorâk=o soft*

food=DF burn.PT.3SG

The food was burned. خوراک سوخت.

ب) نشانهٔ جمع + نشانهٔ معرفه

یکی از ویژگی‌های این گویش، گرفتن نشانهٔ معرفه از سوی گروه اسمی دارای نشانه جمع است.

(113) *i nâr-â=yo mâl kâkâ=m=en*

this pomegranate-PL=DF for brother=PC-1SG=CP.PR-3SG

These are my brother's pomegranate. این انارها برای برادرم است.

(114) *nimdar-â=yo vâz bod-a*

window-PL=DF open becom.PT-PP

The windows have been opened. پنجره‌ها باز شده بوده‌اند.

(115) *tu zarf-â=yo ow=mu ke*

in container-PL=DF water=PC-1PL do.PT

We filled the containers with water. در ظرف‌ها آب کردیم.

پ) ضمیر + نشانهٔ معرفه

ضمیرهای اشاره *en* / *in* و *un* آن در جمله اسنادی می‌تواند نشانهٔ معرفه بگیرد.

(116) *en=o bel=eš ni*

this=DF spade=PC-3SG NG.be.PR

This isn't his/her spade. این بیلش نیست.

(117) *un=o zene=y hušang=en*

that=DF wife=EZ Houshang=CP.PR-3SG

That is Houshang's wife. آن، زن هوشنگ است.

(ت) صفت + نشانه معرفه

(118) *doftak=e koček=o šas*

girl=EZ small=DF sit.PT.3SG

The small girl sat. دختر کوچک (معرفه) نشست.

۴.۲.۶ - نشانه مفعولی صریح

(الف) اسم + نشانه مفعولی صریح

(119) *bačče=y kučik=em xorâk=o xub ne-mi-ĵow-et*

son=EZ small=PC-1SG food=OB well NG-chew.PR-3SG

My small son doesn't chew his food well. بچه کوچکم خوراک را به خوبی نمی‌چود.

(ب) نشانه جمع + نشانه مفعولی صریح

(120) *ke=š xers-â=yo ditt-a*

who=PC-3SG bear-PL=o see.PT-PP

Who has seen bears? کی خرس‌ها را دیده است؟

(پ) ضمیر + نشانه مفعولی صریح

(121) *dâdâ=m=o a tu ra:=m=di*

sister=PC-1SG=OB on way=PC-1SG=see.PT

I saw my sister on the way. خواهرم را در راهم دیدم.

(ت) صفت + نشانه مفعولی صریح

(122) *kâsse=y ga:p=o o-ssu*

bowl=EZ big=OB IP-take.PR

Take the big bowl. کاسه بزرگ را بردار.

۹.۲.۴. صورت مخفف قید هم

$=am$  و  $=m$  صورت مخفف قید افزایشی *ham* هم است. گونه  $=m$  تنها پس از واژه‌های مختوم به  $\hat{a}$ ،  $a$  و  $o$  ظاهر می‌شود. در ادغام واژه‌های میزبان مختوم به  $a$  و صورت مخفف  $=am$ ، واکه کشیده‌تر تلفظ می‌شود. صورت‌های مخفف قید هم  $=am$  یا  $=m$ ، پس از اسم، ضمیر، صفت، قید، پی‌بست معرفه، پی‌بست نکره، حرف شرط و واژه‌بست فاعلی می‌آیند.  
الف) اسم + صورت مخفف قید هم

(123) *a si=š*                      *čoyi=yam*      *be-riz*  
for=PC-3SG    tea=also      IP-pour.PR.2SG  
Pour also a cup a tea for him.    برایش چایی هم بریز.

ب) ضمیر + صورت مخفف قید هم

(124) *oy=am*                      *a ra:*                      *rassi*  
he/she=also    from way      reach.PT.3SG  
He/she also arrived.    او هم از راه رسید.

(125) *dof̄t=et=am*                      *ami*  
daughter=PC-2SG=also    come.PT.3SG  
Your daughter also came.    دخترت هم آمد.

(126) *en=am*                      *be-bâ*                      *dür*  
this=also    IP-throw.PR.2SG    away  
Throw away this/that too.    این را هم دور بیانداز.

پ) صفت + صورت مخفف قید هم

(127) *nâr-â=y*                      *bâli=yam*                      *be-č̄i*  
pomegranate-PL=EZ    high up=also    IP-pick up.PR.2SG  
Pick also the pomegranates of high up on the tree.    انارهای بالایی را هم بچین.

ت) قید + صورت مخفف قید هم

(128) *šâyat=am*                      *be-dun-d*  
maybe=also    SB-know.PR-3SG  
He/she may know too.    شاید هم بداند.

ث) نشانهٔ معرفه + صورت مخفف قید هم

- (129) *merd=o=v<sup>w</sup>am xofti*  
 man=DF=also sleep.PT.3SG  
 The man slept. / The man started sleeping.

ج) نشانهٔ نکره / وحدت + صورت مخفف قید هم

- (130) *i yek=i=yam be-bo*  
 this one=IND=also IP-take.PR.2SG  
 Take also this one. این یکی را هم ببر.

چ) حرف شرط + صورت مخفف قید هم

- (131) *aga=m bi-y-e xošhâl mi-b-om*  
 if=also SB-come.PR-2SG happy IM-become.PR-1SG  
 I will be glad if you come either. اگر هم بیایی، خوشحال می‌شوم.

ح) واژه‌بست فاعلی + صورت مخفف قید هم

- (132) *dârâb=eš=am avo*  
 Darab=PC-3SG=also bring.PT  
 Darab also brought. داراب هم آورد.

۴.۲.۱۰ نشانهٔ تأکید *â* ها

نشانهٔ تأکید *â* = در پایان فعل می‌آید و بیانگر تأکید و احساس گوینده است.

- (133) *zu bo mo ešt-em=â*  
 hurry be I go.PT-1SG=EM  
 Hurry up! I'm leaving! زود باش! رفتم!

- (134) *mi-zn-em=et=â*  
 IM-hit.PR-1SG=PC-2SG=EM  
 I will hit you! می‌زنمت!

۴.۲.۱۱- e متمم‌ساز

در گویش کُنداری و پاره‌ای از گویش‌های استان فارس، برای معادل فارسی رسمی عبارت‌هایی همچون *پراز*، *بعد از*، *بهتر از* به ترتیب به صورت *por(r)=e*، *ba:d=e* و *ba:z=e* ظاهر می‌شوند.

- (135) *pâtil-â=yo porr=e ow=en*

cauldron-PL=DF full=CML water=CP.PR-3SG

The cauldrons are full of water. پاتیل‌ها پر از آب است.

(136) *ba:d=e oy be-šo*

after=CML I IP-go.PR

Go after him/her.

(137) *Manouchehr ba:z=e to kâr mi-kon-d*

Manouchehr better=CML you work IM-do.PR-3SG

Manoucher works better than you.

### ۵. نتیجه‌گیری

در این نوشتار، واژه‌بست‌های گویش کندازینی شناسایی و مطالعه و بررسی شدند. برای این منظور، از الگوی شناسایی شفاقی (۱۳۷۴) که آن نیز برگرفته از الگوی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) است، بهره برده شد. الگوی به‌کارگرفته‌شده، بر پایهٔ آزمون‌های آوایی، صرفی و نحوی است و در هر آزمون مثال‌ها و شواهدی برای تشخیص واژه‌بست آورده شده است. با بررسی داده‌های گویشی و تطبیق آزمون‌ها، واژه‌بست‌های گویش کندازینی عبارتند از واژه‌بست‌های فاعلی، واژه‌بست‌های مفعولی صریح، واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح، واژه‌بست‌های اضافی، نشانهٔ پیوند (هم‌پایگی)، نشانهٔ نکره/ وحدت، نشانهٔ نکره تخصیصی، نشانهٔ اضافه، نشانهٔ مفعولی صریح، نشانهٔ معرفه، صورت مخفف قید افزایشی، نشانهٔ تأکید، نشانهٔ متمم‌ساز. از این تعداد واژه‌بست، واژه‌بست‌های فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح، اضافی واژه‌بست‌های ضمیری هستند و بقیه در شمار واژه‌بست‌های غیرضمیری‌اند.

واژه‌بست‌های فاعلی در گویش کندازینی عبارتند از *em-م*، *et-ت*، *es-ش*، *emu-مان*، *etu-تان*، *esū-شان* که با ضمیرهای مفعولی/ ملکی مطابقت دارند ولی در جمله نقش نحوی متفاوتی دارند. واژه‌بست‌های فاعلی، عنصر مطابقه شخص و شمار هستند. این واژه‌بست‌ها به صورت کُنایی در جمله در فعل‌های متعدی زمان گذشته و در فعل‌های «توانستن»، «خواستن» و «داشتن» (چه به صورت افعال کمکی و چه در ساختار فعل اصلی) در زمان‌های حال و گذشته ظاهر می‌شوند. واژه‌بست‌های فاعلی از شمار و گوناگونی بالای میزبان برخوردار است. واژه‌بست‌های مفعولی صریح و غیرصریح و نیز واژه‌بست‌های اضافی همان ضمائر پیوستهٔ شخصی هستند که نقش نحوی‌شان متفاوت از واژه‌بست‌های فاعلی است. واژه‌بست هم‌پایگی، حرف ربط *o* است که دو سازه را در جمله به هم پیوند می‌دهد. نشانهٔ نکره و وحدت در گویش کندازینی *i* است. نشانهٔ اضافه *e* همان کسرهٔ اضافه در فارسی است. نشانهٔ مفعولی صریح و معرفه، واژه‌بست *o* است. نشانهٔ متمم‌ساز *e* از بسامد اندکی برخوردار است که به جای حرف اضافه *z* به کار می‌رود. نشانهٔ تأکید *â*، شکل مخفف قید افزایشی *am/m* و فعل‌های



پی‌بستی  $em = m$ ،  $e = ی$ ،  $en = است$  (ه/ه در فارسی رسمی گفتاری)،  $om = یم$ ،  $it = ید$ ،  $en = ید$  از واژه‌بست‌های غیرضمیری این گویش است. واژه‌بست‌ها در گویش کندازینی، از نظر نحوی پی‌بست هستند. از آن‌جا که گویش کندازینی نیز مانند زبان فارسی، ضمیرافکن فاعلی است و در جمله ضمیر فاعلی می‌تواند حضور اجباری نداشته باشد، در چنین جمله‌هایی، واژه‌بست فاعلی در فعل کنایی به میزبانی ستاک فعل، اسم مفعول و نیز عنصر غیر فعلی در فعل‌های مرکب است و ضمیر واژه‌بست به صورت پیش‌بست می‌نماید.

### منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۶). دستور زبان فارسی ۲. تهران: موسسه فرهنگی فاطمی.
- بی‌جن‌خان، محمود و وحیده ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۰). شواهد واجی برای گروه واژه‌بست در سلسله مراتب نوایی زبان فارسی امروز. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۵، صص. ۲۷-۴۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و نسرین احمدیان شالچی (۱۳۶۷). فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیر کبیر.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، (۱)، صص. ۱-۱۰.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲ (۲)، صص. ۷۵-۸۵.
- زمردیان، رضا (۱۳۷۹). *راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۹۹). گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفتر هشتم). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟. در *مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، (۵-۶ اسفند ۱۹۹۷) به کوشش یحیی مدرسی و محمد دبیرمقدم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه علامه طباطبایی، صص. ۱۴۱-۱۵۷.
- شقاقی، ویدا (۱۳۹۲). *وند گروهی*. *زبان و زبان‌شناسی*، ۹ (۱۷)، صص. ۱-۲۶.
- صراحی، محمد امین و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۲). «رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۵ (۸)، صص. ۱۰۳-۱۳۳.
- عبدالملکی، حسین (۱۳۸۵). واژه‌بست تصغیر و معرفه در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، ۴۱ و ۴۲، صص. ۹۷-۱۰۵.
- عمادی، نظام (۱۳۸۴). *گویش کندازنی*. شیراز: کوشامهر.
- عمادی، نظام (۱۳۹۸). *واژه‌نامه الفبایی-موضوعی گویش گله‌داری*. شیراز: فرخ‌پی.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹). *راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی*. (<https://apll.ir>)
- فروهوشی، بهرام (۱۳۵۳). زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، (۸۳ و ۸۴)، صص. ۴۱-۵۲.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروزه*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۶). *راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی*. یاد بهار (مجموعه مقالات). تهران: آگاه.
- کیا، صادق (۱۳۴۰). *راهنمای گردآوری گویش‌ها*. تهران: اداره فرهنگ عامه.
- گوهری، حبیب، مهدی مهدی‌زاده، غلامحسین کریمی‌دوستان و طیبه خوشبخت (۱۳۹۹). واژه‌بست در کردی کلهری ایلامی. *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۵ (۱)، صص. ۲۵-۵۱.

- محمودی بختیاری، بهروز، ایوب اسماعیل‌نژاد نودهی، نرجس‌بانو صبوری و زهرا ابوالحسنی چیمه (۱۴۰۰). واژه‌بست‌های زبان گیلکی: مطالعه‌ای رده‌شناختی. *جستارهای زبانی*. ۱۲(۴) (۶۴)، صص. ۲۲۷-۲۶۳.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*. تهران: سمت.
- مفخم پایان، لطفاله و ایراندخت یزدی (۱۳۳۹). *فرهنگ آبادی‌های ایران*. تهران: فردوسی.
- میرزایی، موسی، بهزاد رهبر و محمدرضا اروچی (۱۳۹۹). واژه‌بست در گویش طالقانی. *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۵(۱)، صص. ۲۲۷-۲۴۹.
- نغزگوی گهن، مهرداد (۱۳۸۹). از واژه‌بست تا وند تصریفی. بررسی تحول تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی جدید. *دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان*، ۶(۶)، صص. ۷۷-۹۹.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی و شیرین ممسنی (۱۳۸۴). بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. *گویش‌شناسی*، ۳(۱)، صص. ۶۴-۸۱.
- Aikhenvald, A. Y. (2002). Typological parameters for the study of clitics, with special reference to Tariana. *Word: A cross-linguistic typology*, 42-78.
- Anderson, S. R. (1998). Inflection. In F. Katamba (Ed.) *Morphology: Critical Concepts in Linguistics*. Vol 2. London & New York: Routledge
- Bickel, B. and J. Nichols (2007). Inflectional Morphology. pp. 169-240 of *Language typology and syntactic description, V. III: Grammatical categories and the lexicon*. edited by Timothy Shopen. Cambridge: Cambridge University Press.
- Börjars, K., & Harries, P. (2008). The clitic-affix distinction, historical change, and Scandinavian bound definiteness marking. *Journal of Germanic Linguistics*, 20(4), 289-350.
- Emadi, N. (2016). The phonology of Marvdashti dialect. *Iranian Studies*, 49(3), 405-433.
- Gerlach, B. (2002). Clitics between syntax and lexicon. *Clitics between Syntax and Lexicon*, 1-294. Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
- Lecocq, J. P. (1989). The dialects of Southwestern of Iran. in *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- Piontek, J. (2011). *Clitics: Features and usage*. Göttingen: GRIN Publishing.
- Katamba, F. & J. Stonham (2006). *Morphology*. London: Palgrave Mcmillan.
- Klavans, L. J. (1985) The independence of syntax and phonology in cliticization. *Language*, 61, 95-120.
- Kolakovic, Z. & others (2022). *Clitics in the wild*. Berlin: Language Science Press.
- Morgenstjerne, G. (1960). Stray notes on Persia dialects in *Norsk Tidsskrift for Sprogvidenskap (NTS)*. Oslo: 121-140.
- Nübling, D. (1992). *Klitika im Deutschen*. Tübingen: Gunter Narr Verlag Tübingen.
- Riemsdijk, V. H. (1999). Clitics in the languages of Europe. Berlin: Mouton de Gruyter
- Spencer, A & R. A. Luís (2012). *Clitics: An introduction*. New York: Cambridge University Press.
- Zwicky, A. & G. Pullum. (1983). Cliticisation vs. inflection. *Language*, (59), pp. 502-513.
- Zwicky, A. (1985). Clitics and particles. *Language*, (61), 283-305.
- [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) (2023) [www.aai.uni-hamburg.de](http://www.aai.uni-hamburg.de) (2018) <http://dekhoda.ut.ac.ir> (2023)

پیوست (۱)

۱. نشانه‌های قراردادی

لبی شدگی	- <sup>w</sup>
کشیده	:-
تکیه	'-
یا	/
اختیاری، صورتی دیگر، کاربرد ویژه	()
شناسه‌های فعلی، سببی، جمع، پیشوند، نمود، نفی، نهی، حال التزامی	-
واژه‌بست (در سطح جمله)	=
نگاه کنید به (نک)	←
آوانویسی	[ ]
واج‌نویسی	//
تکواژ صفر	∅

2. List of Abbreviations and Signs

AX	auxiliary verb	OB	object
CM	complementizer	PL	plural, plural suffix
CP	copula	PC	pronominal clitic
CMP	comparative suffix	PR	present
CML	complementizer	PRO	prohibitive
DF	definite suffix	VP	verbal prefix
EM	emphatic	PT	past
EZ	Ezafe particle	SG	singular
H	Human	SB	subjunctive, subjunctive prefix
IM	imperfective prefix	UT	unity suffix
IN	indefinite suffix	1	first person
INF	infinitive	2	second person
IP	imperative prefix	3	third person
NG	negative prefix		